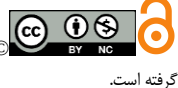




شبهه استناددهی: جاهدی پور، مجید. یاراحمدی، مرتضی. و محبی، سراج‌الدین. (۱۴۰۳). ارائه الگویی برای کاهش فساد اداری در ساختار نظام مالی کشور (مطالعه موردی: بانک رفاه کارگران). آموزش، تربیت و توسعه پایدار، ۲(۳)، ۱۵-۱.



© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

ارائه الگویی برای کاهش فساد اداری در ساختار نظام مالی کشور (مطالعه موردی: بانک رفاه کارگران)

مجید جاهدی پور^۱، مرتضی یاراحمدی^۲، سراج‌الدین محبی^۳

۱. گروه مدیریت دولتی، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران.

۲. گروه مدیریت دولتی، واحد پرند، دانشگاه آزاد اسلامی، پرند، ایران.

۳. گروه مدیریت دولتی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: maps1394@iau.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش ارائه الگویی جامع برای کاهش فساد اداری در ساختار نظام مالی کشور با تأکید بر نظام بانکی ایران است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی است. روش تحقیق به صورت آمیخته و در چارچوب طرح اکتشافی انجام شد. جامعه آماری شامل خبرگان دانشگاهی و اجرایی در حوزه بانکداری و مالی بود که به صورت هدفمند و با روش گلوله‌برفی، ۱۵ نفر از آنان انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته بود و داده‌ها با نرم‌افزار MAXQDA و روش تحلیل مضمون اترید-استرلینگ در سه سطح مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر تجزیه و تحلیل شدند. برای اطمینان از روایی، از تأیید خبرگان و پرمایگی داده‌ها استفاده گردید. نتایج تحلیل مضمون نشان داد ۱۲ طبقه اصلی شامل عوامل فردی، سازمانی، قانونی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، قضایی، نظارتی، فرآیندهای کاری، کیفیت زندگی کاری و تعهد سازمانی کارکنان در کاهش فساد اداری نقش دارند. از میان آن‌ها، شفافیت فرایندها، حاکمیت قانون، نظارت کارآمد، آموزش کارکنان، عدالت سازمانی و ارتقای فرهنگ اخلاق حرفه‌ای بیشترین اهمیت را داشتند. این عوامل در قالب الگویی مفهومی برای کاهش فساد در نظام مالی کشور ارائه گردیدند. بر اساس یافته‌ها، تقویت شفافیت، نظارت، عدالت سازمانی، آموزش و فرهنگ‌سازی، اصلاح ساختارهای اداری و ارتقای تعهد سازمانی می‌تواند به طور مؤثر فساد اداری را در نظام بانکی و مالی کشور کاهش دهد. اجرای مدل پیشنهادی می‌تواند بستر سلامت اداری، پاسخگویی و اعتماد عمومی را فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: فساد اداری، نظام مالی، بانک رفاه کارگران، شفافیت، عدالت سازمانی، نظارت

تاریخ ارسال: ۵ تیر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۰ آبان ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۷ آبان ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۰ آذر ۱۴۰۳



How to cite: Jahedipoor, M., Yarahmadi, M., & Mohebbi, S. (2024). Presenting a Model for Reducing Administrative Corruption in the Structure of the Country's Financial System (Case Study: Workers' Welfare Bank). *Training, Education, and Sustainable Development*, 2(3), 1-15.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Presenting a Model for Reducing Administrative Corruption in the Structure of the Country's Financial System (Case Study: Workers' Welfare Bank)

Majid Jahedipoor¹, Morteza Yarahmadi^{2*}, Serajuddin Mohebbi³

1. Department of Public Administration, Ki.C., Islamic Azad University, Kish, Iran.

2. Department of Public Administration, Pa.C., Islamic Azad University, Parand, Iran.

3. Department of Public Administration, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

*Corresponding Author's Email: maps1394@iau.ac.ir

Abstract

This study aims to develop a comprehensive model for reducing administrative corruption within the country's financial system, focusing on the Iranian banking sector. The research is applied in purpose and qualitative in nature, conducted using a mixed exploratory design. The statistical population consisted of financial and banking experts, and fifteen participants were selected through purposive snowball sampling. Data were collected via semi-structured interviews and analyzed using MAXQDA software through the Attride–Stirling thematic analysis method. The analysis proceeded across three levels of basic, organizing, and global themes, and data validity was ensured through expert confirmation and data saturation. The thematic analysis identified twelve main categories influencing the reduction of administrative corruption: individual, organizational, legal, social, cultural, economic, political, judicial, supervisory, work processes, quality of work life, and employees' organizational commitment. Among these, transparency of procedures, rule of law, effective supervision, employee training, organizational justice, and professional ethics were found to be the most critical factors. A conceptual model integrating these dimensions was developed to minimize corruption in the national financial structure. Strengthening transparency, supervision, organizational justice, training and ethical culture, restructuring administrative systems, and enhancing organizational commitment can significantly mitigate administrative corruption in the financial and banking system. Implementing the proposed model is expected to promote administrative integrity, accountability, and public trust.

Keywords: *Administrative corruption, financial system, Workers' Welfare Bank, transparency, organizational justice, supervision*

Submit Date: 25 June 2024

Revise Date: 10 November 2024

Accept Date: 17 November 2024

Publish Date: 10 December 2024

فساد اداری یکی از چالش‌های مزمن و چندوجهی در نظام‌های حکمرانی معاصر است که با تضعیف کارایی سازمان‌ها، کاهش اعتماد عمومی و ایجاد نابرابری اجتماعی، تهدیدی جدی برای توسعه پایدار محسوب می‌شود (Taylor et al., 2022). این پدیده از بدو شکل‌گیری نهادهای اداری و حکومتی در جوامع بشری وجود داشته و با گذشت زمان، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و مالی، ابعاد پیچیده‌تری یافته است. فساد، در معنای کلی، سوءاستفاده از قدرت عمومی یا جایگاه سازمانی برای منافع شخصی است، که می‌تواند در قالب رشوه، اختلاس، پول‌شویی، تقلب مالی یا تبانی ساختاری نمود یابد (Zafeiriou et al., 2023). در واقع، فساد اداری نه تنها اعتماد مردم به دولت و نهادهای مالی را از میان می‌برد، بلکه مسیر رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، و شفافیت مالی را به شدت مختل می‌کند (Farinha & López-de-Foronda, 2023).

در دهه‌های اخیر، توجه به مسأله فساد در نظام‌های مالی به دلیل نقش کلیدی این نهادها در تخصیص منابع، حفظ ثبات اقتصادی و تأمین سرمایه ملی افزایش یافته است (Ramsheh et al., 2022). بانک‌ها و مؤسسات مالی، به عنوان واسطه‌های اصلی در جریان پول و اعتبار، در معرض بیشترین خطر بروز فساد قرار دارند؛ چراکه هرگونه انحراف در سازوکارهای نظارتی و اداری آنها می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای بر کل اقتصاد ملی داشته باشد (Ghahramani et al., 2023). این امر در کشورهای در حال توسعه، نظیر ایران، به دلیل ساختار پیچیده اداری، تمرکز اختیارات و ضعف نظام‌های پاسخگویی، به شکل عمیق‌تری مشاهده می‌شود (Ali Akbari et al., 2023). تحقیقات بین‌المللی نشان داده‌اند که وجود فساد در نظام مالی با افزایش ریسک اعتباری بانک‌ها، کاهش اعتماد مشتریان و ضعف ثبات اقتصادی ارتباط مستقیم دارد (Jenkins et al., 2023). از دیدگاه اقتصاد کلان، فساد موجب افزایش هزینه‌های معاملاتی و کاهش کارایی بازارهای مالی می‌شود، که نتیجه آن کاهش رشد اقتصادی و تضعیف سلامت نظام بانکی است (Nguyen, 2022). در همین راستا، پژوهش‌های اخیر در اتحادیه اروپا نیز نشان داده‌اند که فساد مالی منجر به اختلال در سیاست‌های تأمین مالی و سرمایه‌گذاری و تضعیف عملکرد شرکت‌ها می‌گردد (Farinha & López-de-Foronda, 2023).

با توجه به شرایط خاص کشورهایی چون ایران، که بخش عمده‌ای از گردش مالی آن در شبکه بانکی انجام می‌شود، شناسایی عوامل مؤثر بر فساد اداری در نظام مالی اهمیت دوچندان می‌یابد. ساختار بوروکراتیک پیچیده، ناکارآمدی قوانین بازدارنده، و ضعف شفافیت نهادی از جمله زمینه‌های مستعد برای بروز فساد در نظام بانکی کشور هستند (Moradi & Rafiei, 2024). پژوهش‌های داخلی نشان داده‌اند که عوامل فردی مانند نیاز مادی و ضعف تعهد اخلاقی، و عوامل سازمانی نظیر تمرکز اختیارات، نبود عدالت سازمانی، و ضعف نظام ارزیابی عملکرد، بیشترین تأثیر را در بروز فساد دارند (Farhadinejad & Biki, 2023).

از منظر نظری، تبیین فساد اداری را می‌توان در چارچوب نظریه «حکمرانی خوب» بررسی کرد. بر اساس این دیدگاه، شفافیت، پاسخگویی و قانون‌مداری از اصول بنیادینی هستند که در صورت ضعف آنها، زمینه برای گسترش فساد فراهم می‌شود (Ramsheh et al., 2022). در این راستا، ایجاد نهادهای نظارتی کارآمد، آموزش مدیران و کارکنان، تقویت فرهنگ سازمانی مبتنی بر اخلاق و شایسته‌سالاری از راهکارهای کلیدی برای مقابله با فساد اداری به‌شمار می‌روند (Safaei Shakib et al., 2023).

پژوهش‌های تطبیقی بین‌المللی نشان می‌دهد که کشورهایی که به اصلاح نهادی و ارتقای شفافیت سازمانی پرداخته‌اند، موفق‌تر در مهار فساد بوده‌اند (Taylor et al., 2022). از جمله، در مدل‌های اروپایی و آسیایی، استفاده از فناوری‌های مالی نظیر بلاک‌چین، سامانه‌های گزارش‌دهی دیجیتال و افشای عمومی اطلاعات بانکی، به عنوان ابزارهای نوین کنترل فساد معرفی شده‌اند (Utami & Barokah, 2024). در مقابل، در کشورهایی که فقدان اراده سیاسی و ضعف قوانین حمایتی از افشاگران وجود دارد، فساد به صورت ساختاری تداوم یافته است (Patria, 2024).

از منظر جامعه‌شناختی، ریشه‌های فساد را باید در تعارض میان منافع فردی و جمعی جست‌وجو کرد. در این دیدگاه، زمانی که کارکنان سازمان احساس بی‌عدالتی، تبعیض یا بی‌اعتمادی نسبت به نظام تصمیم‌گیری دارند، تمایل به رفتارهای غیرقانونی افزایش می‌یابد (Ogungbamila & Ajayi, 2024). چنین شرایطی در نظام بانکی، که تصمیم‌گیری‌های مالی و اعتباری با حجم بالایی از قدرت اختیاری همراه است، خطرناک‌تر می‌شود (Liu, 2023). از سوی دیگر، ضعف نظارت در نظام قضایی نیز می‌تواند به گسترش فساد اداری دامن زند (Hosseini et al., 2024). در پژوهش‌های جرم‌شناختی، مفهوم «فساد قضایی» به‌عنوان شکلی از انحراف ساختاری شناخته می‌شود که از طریق تبانی یا سوءاستفاده از موقعیت‌های حقوقی، فرآیند عدالت را تضعیف می‌کند.

در سطح کلان، ارتباط فساد با متغیرهای اقتصادی همچون رشد سبز و توسعه پایدار نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های جدید، افزایش فساد منجر به کاهش سرمایه‌گذاری در فناوری‌های محیط‌زیستی و تضعیف سیاست‌های سبز می‌شود (Tawiah et al., 2024). در نتیجه، کنترل فساد نه تنها از منظر مالی بلکه به‌عنوان پیش‌شرط توسعه پایدار اهمیت دارد. افزون بر این، ابعاد بین‌المللی فساد نیز باید در نظر گرفته شود؛ زیرا فساد در شبکه‌های مالی جهانی، از طریق پول‌شویی و فرار سرمایه، مرزهای ملی را در می‌نورد (Kalantari & Sarcheshmeh et al., 2024).

در ایران، نهادهای نظارتی مختلفی چون سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و بانک مرکزی، وظیفه نظارت بر سلامت مالی و اداری را بر عهده دارند، اما نبود هماهنگی میان این نهادها و فقدان یک نظام یکپارچه گزارش‌دهی موجب کاهش کارایی این سازوکارها شده است (Saeedi, 2024). بررسی‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم تصویب قوانین متعدد برای مقابله با فساد، از جمله قانون ارتقای سلامت اداری و قانون مجازات اسلامی، همچنان چالش‌های جدی در اجرای مؤثر این مقررات وجود دارد (Alavari et al., 2023).

پژوهش‌های داخلی اخیر، به‌ویژه مطالعات مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد، تلاش کرده‌اند تا مدل‌هایی بومی برای کاهش فساد در نظام بانکی ایران طراحی کنند. نتایج نشان داده است که تقویت سرمایه ساختاری، شفاف‌سازی فرآیندها، و افزایش شایسته‌سالاری از مهم‌ترین عناصر مؤثر در کنترل فساد هستند (Ghahramani et al., 2023). همچنین، رویکردهای اخلاقی سازمانی به‌عنوان ابزار پیشگیرانه در ایجاد محدودیت‌های اخلاقی فردی و سازمانی نقش بسزایی دارند (Safaei Shakib et al., 2023).

از سوی دیگر، بررسی فساد از منظر ژئوپلیتیکی و فرهنگی نیز بیانگر این واقعیت است که نظام‌های سیاسی اقتدارگرا و تمرکزگرا بیشتر در معرض بروز فساد اداری قرار دارند، زیرا در آنها سازوکارهای پاسخگویی و شفافیت ضعیف‌تر عمل می‌کنند (Taghavi et al., 2024). در چنین نظام‌هایی، وفاداری سیاسی جایگزین شایستگی حرفه‌ای می‌شود و مسیر برای سوءاستفاده از قدرت باز می‌گردد (Troisi & Alfano, 2023). این در حالی است که نظریه‌های جدید جرم‌شناسی بر ضرورت تناسب‌سازی مجازات‌ها و تقویت پاسخگویی تأکید دارند، تا ضمن رعایت عدالت کیفری، از تکرار رفتارهای فسادآمیز جلوگیری شود (Tungga et al., 2025).

با توجه به یافته‌های مطالعات بین‌المللی و داخلی، می‌توان نتیجه گرفت که فساد اداری در نظام مالی نه پدیده‌ای منفرد بلکه نتیجه تعامل پیچیده‌ای از عوامل فردی، سازمانی، قانونی و فرهنگی است (Zafeiriou et al., 2023). این پدیده نه تنها به فروپاشی اعتماد اجتماعی منجر می‌شود بلکه بر عملکرد نظام مالی، سلامت اقتصادی و اعتبار نهادهای عمومی تأثیر مخرب دارد (Rahpeyma et al., 2024). از این‌رو، اتخاذ رویکردی جامع برای مقابله با فساد اداری در نظام بانکی کشور ضرورتی انکارناپذیر است (Saeedi, 2024). هدف مطالعه حاضر، طراحی و ارائه الگویی جامع برای کاهش فساد اداری در ساختار نظام مالی کشور با تمرکز بر نظام بانکی ایران است.

روش‌شناسی

با توجه به این‌که تحقیق حاضر به ارائه الگویی برای کاهش فساد اداری در ساختار نظام مالی کشور می‌پردازد و شرایط متغیر توصیف خواهد شد، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد آمیخته و استفاده از استراتژی طرح پژوهش اکتشافی انجام گرفته است که از منظر هدف، کاربردی-

توسعه‌ای محسوب می‌گردد. لازم بود با استفاده از روش تحقیق آمیخته در مرحله اول درک لازم از پدیده موردنظر با انجام پژوهش کیفی در قالب یک مدل مفهومی بعمل آید. در این تحقیق از ابزار مصاحبه جهت گردآوری اطلاعات مورد نیاز استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه خبرگان و صاحبانظران مالی و بانکی می‌باشد.

این بخش، مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایانه است و هدف آن کشف و درک عمیق مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع پژوهش می‌باشد. بر این اساس از تحلیل مضمون استفاده گردید. روش پیشنهادی اترید-استرلینگ^۱ یکی از روش‌های مرسوم کدگذاری در تحلیل مضمون است. این روش مبتنی بر تشکیل شبکه مضامین^۲ است و در پژوهش‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. شبکه مضامین شامل سه دسته از کدها و مفاهیم است: مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده، و مضامین فراگیر. مضامین پایه شامل کدها و نکات کلیدی متن است. با مطالعه کامل متن باید خردترین کدها شناسایی و به عنوان یک مضمون پایه انتخاب شود. مضامین سازمان دهنده شامل مضامین حاصل از ترکیب و تلخیص مضامین پایه است. کدهای پایه باید مرور و مفاهیم مشابه در کنار هم قرار گیرند. محقق بر اساس توان تشخیص و تسلط خود باید نام مناسبی برای هر دسته کد انتخاب کند. در نهایت مضامین فراگیر شامل مضامین عالی دربرگیرنده حاکم بر متن به مثابه کل است. برای گردآوری داده‌ها نیز از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. جامعه آماری در این بخش شامل خبرگان دانشگاهی و اجرایی حوزه مورد مطالعه بوده و بر اساس اصل اشباع نظری به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی تعداد ۱۵ نفر از خبرگان انتخاب شدند. ابزار اصلی تحلیل داده‌ها، نرم‌افزار MAXQDA است که در فرآیند تحلیل مضمون به کار گرفته شد. مراحل تحلیل شامل کدگذاری اولیه، جستجوی مضامین، بازبینی و تعریف آن‌ها و در نهایت استخراج شاخص‌ها و مولفه‌های مدل بود. برای اطمینان از روایی، از روش پرمایگی اطلاعات و تایید مضامین توسط خبرگان استفاده شد.

جدول ۱. اعضای مصاحبه باز و سمت آن‌ها

ردیف	سمت	تحصیلات
۱	صاحبانظران دانشگاهی	دکتر
۲	مدیران و معاونین بانکی	دکتر
۳	مدیران و معاونین بانکی	فوق لیسانس

یافته‌ها

برای گردآوری داده‌های کیفی، شش سؤال کلیدی از خبرگان حوزه پرسیده شد که شامل شناسایی مضامین کلی موضوع، اصول طراحی الگو، ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرگذار داخلی و خارجی، استراتژی‌های پیشنهادی و دیگر عوامل مهم بود. این رویکرد ساختاریافته منجر به شناسایی و دسته‌بندی دقیق ابعاد و مؤلفه‌های الگو گردید.

مصاحبه ۱:

افزایش شفافیت: اطمینان از اینکه تمامی فرایندها و تراکنش‌های بانکی به صورت شفاف و قابل دسترسی برای مراجع ذیصلاح باشد.

تقویت نظارت: ایجاد سیستم‌های نظارتی قوی برای بررسی و کنترل فعالیت‌های مالی و بانکی

آموزش و فرهنگ‌سازی: آموزش کارکنان بانک‌ها در خصوص قوانین، مقررات و اخلاق حرفه‌ای به منظور پیشگیری از فساد.

استفاده از فناوری: پیاده‌سازی سیستم‌های بانکی الکترونیکی و بلاک‌چین برای کاهش احتمال تقلب و سوءاستفاده.

تقویت سازوکارهای گزارش‌دهی: ایجاد کانال‌های امن برای گزارش‌دهی فساد و تضمین اینکه گزارش‌ها به درستی پیگیری می‌شوند.

تقویت قوانین و مقررات: به‌روزرسانی و تقویت قوانین و مقررات برای مقابله با فساد.

¹ Attride-Stirling

² Thematic Network

افزایش پاسخگویی: تعیین مسئولیت‌های مشخص برای افراد و نهادها و اطمینان از اینکه آن‌ها به اقدامات خود پاسخگو هستند.

تشویق به شفافیت مالی: تشویق بانک‌ها و موسسات مالی به ارائه گزارش‌های مالی شفاف و دقیق.

تقویت حقوق شهروندی: اطمینان از اینکه حقوق مشتریان و شهروندان در فرایندهای بانکی حفظ می‌شود.

این موارد می‌توانند به تقویت سیستم بانکی و کاهش فساد اداری کمک کنند

برای ارائه الگوی کاهش فساد اداری، از روش‌های کیفی استفاده گردید. در بخش تحلیل کیفی پژوهش، شاخص‌های کاهش فساد اداری، شناسایی شدند. با استفاده از تحلیل داده‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه از خبرگان مربوطه، مضامین پایه شناسایی شده و سپس از تلفیق مضامین پایه، مضامین احصاء شدند. همچنین در نهایت از تجميع مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر بدست آمدند.

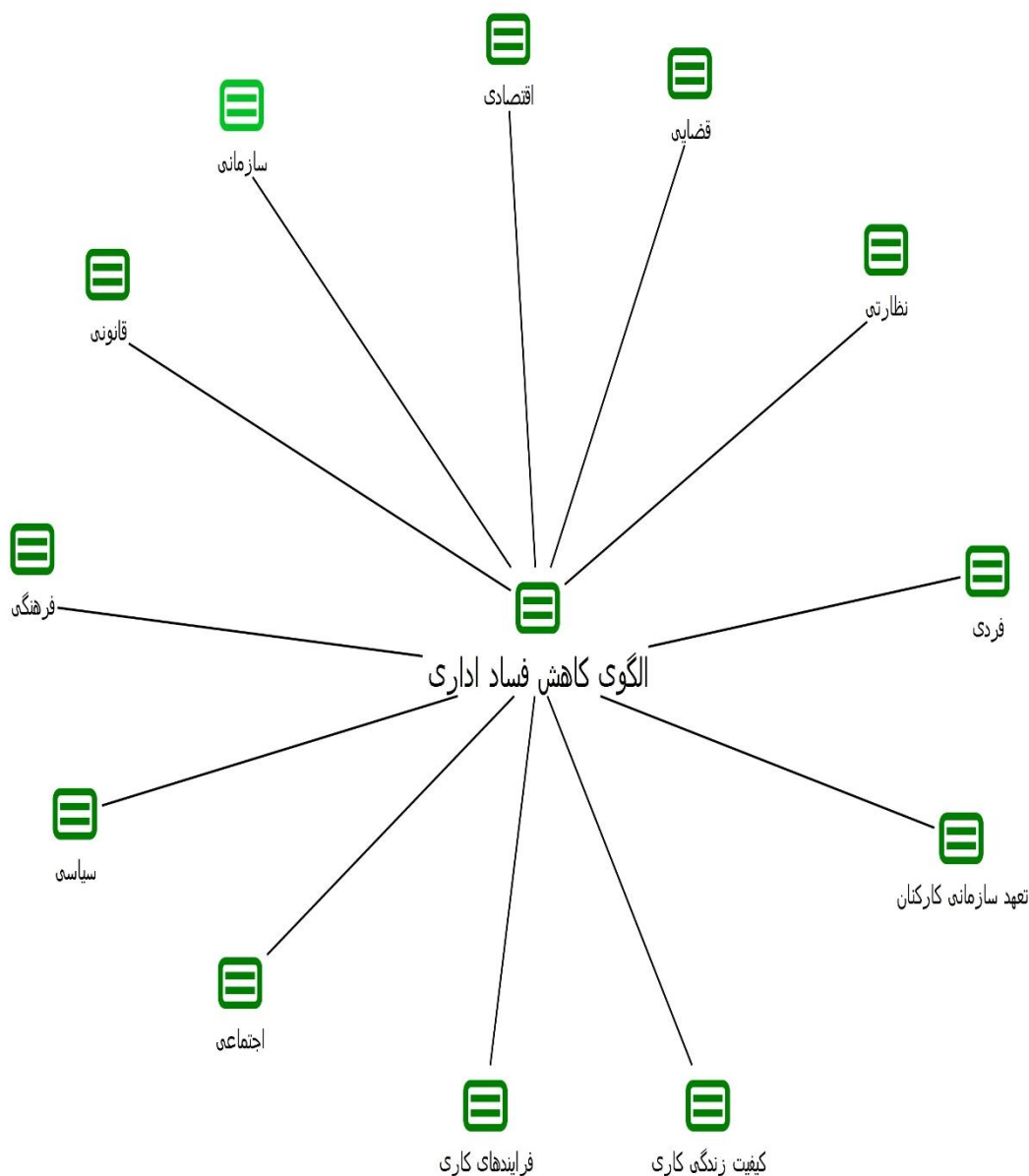
جدول ۲. مضامین اصلی و سازمان دهنده

مضامین اصلی	مضامین سازمان دهنده
فردی	رفع نیاز مادی آموزش‌های فردی پایبندی اعتقادی شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری در انتصاب و ارتقا ایجاد رقابت سالم در سیستم بانکی نظام تنبیه‌ی متناسب
سازمانی	کیفیت بروکراسی اصلاح ساختار اداری عدالت سازمانی تقویت نظام شایستگی در مدیریت منابع انسانی کاهش پیچیدگی و بروکراسی اداری و بانکی متناسب‌سازی ساختار و تشکیلات بانکی حذف پیچیدگی بروکراسی اداری کاهش تمرکز بیش از حد وظایف و اختیارات در یک واحد یا فرد
قانونی	حاکمیت قانون وضعیت قوانین و مقررات قانون‌گرایی سیاست‌های انقباضی دولت تقاضای روزافزون تسهیلات از طرف مشتریان
اجتماعی	مشارکت عمومی برابری اقتصادی آموزش عمومی تقویت حقوق شهروندی ایجاد برابری‌های اقتصادی و اجتماعی برابری اقتصادی و اجتماعی
فرهنگی	فرهنگ سازمانی جامعه‌پذیری اخلاق آموزش و فرهنگ‌سازی
اقتصادی	اندازه دولت آزاد سازی اقتصادی خصوصی سازی
سیاسی	حکمرانی خوب دموکراسی

قضایی	تمایل سیاسی دولت
	پاکسازی نظام اداری
	بازگرداندن اموال عمومی
	کارآمدی دادگاه ها
نظارتی	شفاف نمودن بعضی بخشنامه ها و دستورالعمل های سیستم بانکی
	تقویت نظارت
	نظارت کافی در بخش تسهیلات
	کارآمدی نهادهای نظارتی
	سیستم نظارتی کارآمد و شفاف
	وجود کنترل های داخلی مناسب بر فرایندهای بانکی
	ارزیابی مستمر عملکرد و پاسخگویی کارکنان
	توجه به گزارشات فساد و تخلف
	نظارت مستمر
	شفاف سازی
	مبارزه جدی با پولشویی
	فزایش شفافیت
	تقویت سازوکارهای گزارش دهی تشویق به شفافیت مالی
	تقویت قوانین و مقررات
فرایندهای کاری	شفافیت رویه های کاری
	اتوماسیون اداری
	ایجاد سیستم نظارتی کارآمد و شفاف
	ایجاد سهولت فرایندها
	حمایت از فرآیند سالم
	توزیع مناسب بوجه های اعتباری متناسب عملکرد واحدهای صف با سیاستهای کلان اقتصادی و بانکی
کیفیت زندگی کاری	تقویت سیستم مدیریت ریسک تقویت فن اوری اطلاعات پیشرفته در سیستم بانکی
	استفاده از فناوری
	رضایت از محیط فیزیکی کار
	احساس رضایتمندی از شغل
	حقوق و مزایا
	آزادی و اختیار در عمل
	مدیریت تعارض منافع
تعهد سازمانی کارکنان	تقویت در مدیریت منابع انسانی
	احساس مسئولیت
	ارزشمند بودن عضویت در آن سازمان
	وفاداری به سازمان
	دقت در کار ارباب رجوع
	مشارکت با همکاران
	افزایش پاسخگویی
	وجود تعهد به ارزش های اخلاقی
	مدیریت صحیح منابع انسانی
	تناسب انتظارات مدیران و امکانات موجود

کدگذاری محوری مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه پردازی داده بنیاد است. لذا با نظر اساتید و کارشناسان امر، از کلیه شاخص‌های به دست آمده به تعیین مقوله‌ها پرداخته شد. از تحلیل کیفی محتوای مصاحبه‌ها، تعداد ۱۲ طبقه (مقوله اصلی) و ۷۵ مقوله فرعی به دست آمد و در جدول زیر ارائه گردیده است.

در ادامه شبکه مضامین اصلی و فرعی پژوهش، به عنوان خروجی نرم‌افزار MAXQDA ارائه شده است:



شکل ۱. الگوی شماتیک مضامین اصلی

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر که با هدف ارائه الگویی برای کاهش فساد اداری در ساختار نظام مالی کشور و با تمرکز بر شبکه بانکی انجام شد، نشان داد که فساد اداری در نظام مالی ایران پدیده‌ای چندبعدی است که ریشه در مجموعه‌ای از عوامل فردی، سازمانی، قانونی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارد. بر اساس نتایج تحلیل مضمون، دوازده مؤلفه اصلی شامل عوامل فردی، سازمانی، قانونی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی،

سیاسی، قضایی، نظارتی، فرایندهای کاری، کیفیت زندگی کاری و تعهد سازمانی کارکنان به عنوان محورهای بنیادین الگوی کاهش فساد شناسایی شدند. این یافته با مطالعات داخلی و بین‌المللی در زمینه ماهیت چندوجهی فساد و ضرورت نگاه سیستمی به آن همخوان است (Farinha & López-de-Foronda, 2023; Zafeiriou et al., 2023).

نخستین محور نتایج به نقش عوامل فردی در بروز یا پیشگیری از فساد اشاره دارد. مصاحبه‌ها نشان دادند که ضعف پایبندی اخلاقی، نیازهای مادی، و نبود احساس مسئولیت از مهم‌ترین زمینه‌های فردی برای رفتارهای فسادآمیز در نظام بانکی محسوب می‌شوند. این نتیجه با یافته‌های پژوهش (Ogungbamila & Ajayi, 2024) همسو است که نشان داد کاهش هوش اخلاقی و رضایت از زندگی در میان کارکنان بخش دولتی به افزایش تحمل نسبت به فساد منجر می‌شود. همچنین، مطالعه (Safaei Shakib et al., 2023) نشان داد وجود راهبردهای اخلاقی و محیط سازمانی مبتنی بر وجدان حرفه‌ای، سطح فساد اداری را به‌طور معناداری کاهش می‌دهد. بر همین اساس، یافته‌های حاضر نیز تأکید می‌کند که تقویت ارزش‌های اخلاقی و ایجاد نظام آموزش اخلاق حرفه‌ای می‌تواند از بروز انحرافات اداری و مالی جلوگیری کند.

در بعد عوامل سازمانی، نتایج نشان داد که تمرکز بیش از حد قدرت در سلسله‌مراتب اداری، ضعف عدالت سازمانی و فقدان نظام ارزیابی عملکرد مؤثر از مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری فساد هستند. این یافته با نتایج مطالعه (Ali Akbari et al., 2023) همخوان است که نظام اداری متمرکز و سیاست‌های ناکارآمد مبارزه با فساد در نظام حقوقی ایران را عامل تضعیف کارایی دستگاه‌های نظارتی دانسته است. همچنین، پژوهش (Ghahramani et al., 2023) بیان داشت که توسعه سرمایه ساختاری در نظام بانکی از طریق بهبود مدیریت منابع انسانی و ایجاد ساختارهای پاسخگو می‌تواند موجب کاهش فساد شود. بنابراین، اصلاح ساختارهای مدیریتی، شفاف‌سازی فرآیندهای تصمیم‌گیری و استقرار نظام پاداش و تنبیه متناسب از مهم‌ترین ابزارهای کنترلی در این زمینه محسوب می‌شوند.

از نظر عوامل قانونی و قضایی، داده‌های به‌دست‌آمده نشان داد که ناکارآمدی قوانین موجود، پیچیدگی آیین‌نامه‌ها و عدم ضمانت اجرایی کافی موجب گسترش فساد می‌گردد. همان‌گونه که (Alavari et al., 2023) اشاره کرده است، جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی و بازرگانی در قوانین موجود یکی از پیش‌شرط‌های اساسی برای اصلاح نظام مالی است. در همین راستا، (Hosseini et al., 2024) از منظر جرم‌شناسی، فساد قضایی را عاملی ساختاری دانسته که با تضعیف اجرای عدالت، زمینه‌ساز رفتارهای فسادآمیز در سایر بخش‌ها می‌شود. یافته‌های حاضر نیز بر همین اساس بیانگر آن است که صرف وجود قانون کافی نیست، بلکه نظارت مؤثر، اجرای واقعی مقررات، و بی‌طرفی نهادهای قضایی در اعمال آن شرط لازم برای موفقیت سیاست‌های ضدفساد است.

نتایج در حوزه عوامل نظارتی نیز مؤید این است که ضعف کنترل‌های داخلی و نبود سیستم‌های نظارت هوشمند از موانع اصلی مقابله با فساد هستند. پژوهش (Nguyen, 2022) نشان می‌دهد که در نظام‌های مالی آسیای جنوب شرقی، ساختار حاکمیت ریسک مؤثر موجب کاهش انحرافات مالی و افزایش شفافیت عملکرد بانک‌ها شده است. به همین ترتیب، یافته‌های (Taylor et al., 2022) نشان داد که ارتقای کیفیت نهادی و تقویت مکانیزم‌های پاسخگویی، ابزار مؤثری برای کنترل فساد در سازمان‌های مالی است. پژوهش حاضر نیز تأیید می‌کند که ترکیب نظارت انسانی و فناورانه از طریق سامانه‌های دیجیتال، گزارش‌دهی آنلاین و بهره‌گیری از فناوری‌های نو مانند بلاک‌چین می‌تواند احتمال تبانی و تخلف را کاهش دهد.

در حوزه عوامل فرهنگی و اجتماعی، مصاحبه‌شوندگان به این نکته اشاره کردند که ضعف فرهنگ سازمانی، عادی‌سازی فساد و کاهش قبح اخلاقی از عوامل کلیدی گسترش فساد اداری است. این یافته با دیدگاه (Taghavi et al., 2024) هم‌راستا است که از منظر ژئوپلیتیکی نشان داد معیارهای فرهنگی و مذهبی در قوانین ضدفساد می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتارهای کارگزاران دولتی ایفا کنند. به‌طور مشابه، (Ramsheh et al., 2022) بر اهمیت حکمرانی خوب در ایجاد فرهنگ شفافیت و صداقت تأکید می‌کند. بنابراین، نهادینه‌سازی اخلاق اداری، آموزش مستمر کارکنان، و ایجاد حساسیت فرهنگی نسبت به فساد از ضرورت‌های اصلاحی به‌شمار می‌آید.

در بُعد سیاسی و حکمرانی، یافته‌های تحقیق نشان داد که نبود اراده سیاسی مستمر برای مقابله با فساد و دخالت‌های سیاسی در فرایندهای بانکی، زمینه‌ساز تداوم چرخه فساد است. (Troisi & Alfano, 2023) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که در نظام‌های محلی، تداوم قدرت سیاسی در میان مدیران فاسد ناشی از ساختارهای وابسته و نبود شفافیت سیاسی است. همچنین، (Tungga et al., 2025) با تأکید بر اصل تناسب‌گرایی کیفی در پرونده‌های فساد، معتقد است که سیاست‌های قضایی باید میان برخورد قاطع و متناسب با نوع فساد توازن ایجاد کنند تا اعتماد عمومی به عدالت کیفی حفظ شود. این نتایج با یافته‌های حاضر هم‌سو است که بر ضرورت استقلال دستگاه‌های نظارتی و قوه قضائیه از مداخلات سیاسی تأکید دارد.

از نظر ابعاد اقتصادی، مصاحبه‌ها نشان دادند که شرایط نابسامان اقتصادی، فشارهای تورمی و عدم تعادل درآمدی در میان کارکنان بانکی، انگیزه‌های فساد را افزایش می‌دهد. پژوهش (Liu, 2023) با بررسی شرکت‌های چینی نشان داد که روابط ناسالم میان دولت و بخش خصوصی، موسوم به «فساد اعتباری»، موجب کاهش نوآوری و افزایش ریسک مالی می‌شود. به‌طور مشابه، (Farinha & López-de-Foronda, 2023) در تحلیل اقتصاد اتحادیه اروپا بیان داشت که فساد مالی از طریق کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و افزایش هزینه‌های سرمایه، موجب کندی رشد اقتصادی می‌شود. نتایج این پژوهش نیز نشان می‌دهد که سیاست‌های انقباضی، بی‌ثباتی بازار مالی و کمبود فرصت‌های اقتصادی عادلانه در نظام بانکی کشور از مهم‌ترین عوامل تضعیف سلامت مالی هستند.

در بررسی فرایندهای کاری و کیفیت زندگی شغلی، داده‌های حاصل از تحلیل مضمون بیانگر آن بود که ساختارهای اداری پیچیده، فرایندهای دستی و طولانی، و نبود نظام‌های خودکارسازی باعث می‌شود کارکنان فرصت بیشتری برای تخلف یا فساد پیدا کنند. نتایج این بخش با پژوهش (Utami & Barokah, 2024) هم‌خوان است که نشان داد شرکت‌هایی که گزارشگری ضدفساد را در ساختار شرکتی خود نهادینه کرده‌اند، به دلیل اتوماسیون و شفافیت بالا، سطح پایین‌تری از تخلفات مالی را تجربه می‌کنند. همچنین، ارتقای کیفیت زندگی کاری از طریق بهبود شرایط شغلی، افزایش رضایت از حقوق و مزایا، و ایجاد احساس عدالت سازمانی، تأثیر بسزایی در کاهش انگیزه‌های فساد دارد (Moradi & Rafiei, 2024).

در نهایت، بعد تعهد سازمانی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در این پژوهش شناسایی شد. کارکنانی که نسبت به ارزش‌های سازمانی وفادارتر هستند و احساس تعلق بیشتری به محل کار دارند، کمتر در معرض رفتارهای فسادآمیز قرار می‌گیرند. این نتیجه با مطالعات (Saeedi, 2024) و (Rahpeyma et al., 2024) سازگار است که نشان دادند وجود نهادهای آموزشی و سازوکارهای ترویجی ضدفساد، تعهد سازمانی را افزایش داده و احتمال تخلف را کاهش می‌دهد.

به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش حاضر با رویکرد سیستمی به فساد اداری، نشان می‌دهد که هیچ عامل منفردی قادر به کنترل این پدیده نیست؛ بلکه تعامل مؤثر میان سازوکارهای نظارتی، فرهنگی، اقتصادی و قانونی می‌تواند نظام مالی را به سمت سلامت اداری هدایت کند. نتایج همچنین بر اهمیت حکمرانی خوب، شفافیت مالی و استقلال نهادی به‌عنوان ارکان اصلی اصلاح نظام بانکی تأکید دارد. همان‌گونه که (Zafeiriou et al., 2023) و (Taylor et al., 2022) بیان کرده‌اند، استفاده از رویکردهای ترکیبی، بهره‌گیری از فناوری‌های نو و اصلاحات ساختاری مستمر می‌تواند به عنوان راهبردی پایدار برای کاهش فساد در نظام مالی کشور عمل کند.

نخستین محدودیت پژوهش حاضر به ماهیت کیفی آن مربوط می‌شود. هرچند روش تحلیل مضمون امکان درک عمیق از مفاهیم را فراهم می‌سازد، اما تعمیم نتایج به جامعه آماری گسترده‌تر نیازمند مطالعات کمی و آزمون تجربی مدل است. همچنین، محدود بودن تعداد خبرگان مصاحبه‌شونده و دسترسی دشوار به مدیران ارشد بانکی به دلیل ملاحظات سازمانی، دامنه داده‌های پژوهش را محدود کرده است. از دیگر محدودیت‌ها می‌توان به احتمال سوگیری پاسخ‌دهندگان در بیان دیدگاه‌های واقعی و تأثیر شرایط اجتماعی و اقتصادی زمان انجام مصاحبه‌ها بر نتایج اشاره کرد. علاوه بر این، تغییرات سریع در سیاست‌های اقتصادی و بانکی کشور ممکن است موجب تغییر در اولویت‌ها و ابعاد فساد اداری در آینده شود.

پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده، مدل مفهومی استخراج‌شده در این پژوهش با روش‌های کمی نظیر مدل‌سازی معادلات ساختاری یا تحلیل مسیر آزمون گردد تا اعتبار بیرونی و پایایی آن ارزیابی شود. همچنین، مقایسه تطبیقی الگوی پیشنهادی با سایر کشورها، به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و آسیا، می‌تواند در شناسایی سیاست‌های مؤثرتر در کنترل فساد مفید واقع شود. از سوی دیگر، بررسی نقش فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، بلاک‌چین و داده‌کاوی در پیش‌بینی و شناسایی رفتارهای فسادآمیز نیز می‌تواند افق جدیدی را در مطالعات آینده بگشاید. پژوهش‌های آینده همچنین می‌توانند به تحلیل ارتباط میان سلامت اداری و شاخص‌های رضایت شغلی، کارایی سازمانی و سرمایه اجتماعی در نظام بانکی بپردازند.

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود بانک‌ها و نهادهای مالی کشور در گام نخست، سامانه‌های نظارتی دیجیتال و سیستم‌های گزارش‌دهی داخلی را برای افزایش شفافیت ایجاد کنند. آموزش منظم اخلاق حرفه‌ای برای کارکنان، بازنگری در نظام حقوق و مزایا، و برقراری نظام ارزیابی عملکرد مبتنی بر شایسته‌سالاری از دیگر الزامات اصلاح ساختاری است. همچنین، ضروری است میان نهادهای نظارتی، قضایی و بانکی سازوکاری هماهنگ و جامع برای تبادل اطلاعات در زمینه تخلفات اداری شکل گیرد. در سطح کلان، تقویت اراده سیاسی برای مقابله مستمر با فساد، حمایت قانونی از افشاگران تخلف، و نهادینه‌سازی فرهنگ پاسخگویی در سازمان‌ها می‌تواند به تحقق سلامت اداری در نظام مالی کشور منجر شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

Administrative corruption has long been recognized as one of the most pervasive and destructive phenomena threatening public trust, governance integrity, and sustainable economic growth (Taylor et al., 2022). Defined broadly as the misuse of public power or organizational authority for private gain, corruption manifests through bribery, embezzlement, fraud, nepotism, and the misuse of confidential information (Zafeiriou et al., 2023).

In contemporary financial systems, particularly in developing economies, corruption erodes institutional credibility, distorts resource allocation, and undermines social justice. The financial sector—especially banking institutions—plays a central role in national economic stability; hence, any corruption within this sector has significant implications for macroeconomic health and citizens' welfare (Farinha & López-de-Foronda, 2023).

The persistence of administrative corruption in financial systems is often associated with structural inefficiencies, lack of transparency, weak legal enforcement, and concentration of power (Ramsheh et al., 2022). In the Iranian context, banks act as the operational backbone of financial policy, mediating most capital flows. However, systemic vulnerabilities—ranging from insufficient oversight to political interference—have rendered the banking system prone to corruption and mismanagement (Ali Akbari et al., 2023). Recent scandals in public and private banks underscore the need for a robust anti-corruption framework grounded in both organizational reform and ethical reinforcement.

International research has consistently shown that corruption in the financial sector increases operational and credit risks, decreases investor confidence, and reduces market efficiency (Jenkins et al., 2023). For instance, in the European Union, the presence of corruption has been shown to hinder investment and financial innovation, thereby reducing the overall quality of governance and economic performance (Farinha & López-de-Foronda, 2023). In ASEAN countries, effective governance and risk management mechanisms have been proven to reduce the probability of financial misconduct and to strengthen institutional resilience (Nguyen, 2022).

From a theoretical perspective, the principle of **good governance**—anchored in transparency, accountability, and rule of law—is considered essential for curbing corruption (Ramsheh et al., 2022). Institutions that emphasize ethical conduct, oversight, and public disclosure mechanisms tend to exhibit lower corruption levels (Safaei Shakib et al., 2023). Similarly, studies grounded in ethical organizational behavior confirm that moral reasoning, employee responsibility, and organizational justice significantly influence individuals' likelihood to engage in corrupt acts (Ogunbamila & Ajayi, 2024). Thus, anti-corruption strategies must address not only the legal and institutional dimensions but also the ethical and psychological underpinnings of behavior within organizations.

Furthermore, technological innovations have recently emerged as powerful tools to enhance financial transparency. Automation systems, blockchain-based transactions, and digital reporting channels can minimize human discretion, prevent data manipulation, and increase the traceability of financial flows (Utami & Barokah, 2024). However, their effectiveness depends on institutional willingness and legal support to implement and regulate such systems. Weak enforcement and fragmented oversight bodies can limit their impact, as evidenced by the experience of many developing countries, including Iran (Saeedi, 2024).

Cultural and political factors also play a significant role. When social norms normalize unethical conduct, or when loyalty to individuals and networks overrides professional integrity, corruption becomes institutionalized (Taghavi et al., 2024). Political instability, lack of autonomy in oversight institutions, and the absence of whistleblower protection further deepen the problem (Patria, 2024). Comparative analyses across nations show that sustained political will, combined with consistent legal enforcement, is critical to success in anti-corruption reforms (Troisi & Alfano, 2023).

In the Iranian financial system, corruption stems from a combination of economic pressures, structural deficiencies, and inconsistent enforcement of anti-corruption laws (Moradi & Rafiei, 2024). Research highlights that inadequate remuneration, opaque administrative procedures, and lack of ethical training contribute to employees' vulnerability to corruption (Farhadinejad & Biki, 2023). Meanwhile, judicial inefficiency and procedural complexity hinder the effective prosecution of corruption cases (Hosseini et al.,

2024). Thus, addressing administrative corruption requires a comprehensive approach that integrates legal, ethical, organizational, and cultural reforms simultaneously.

Given these realities, this study seeks to fill the empirical and theoretical gap by developing a comprehensive model to reduce administrative corruption within the financial system of Iran, focusing on the Workers' Welfare Bank as a representative institution. The model aims to identify, categorize, and prioritize the key factors influencing corruption and to propose strategic mechanisms for organizational integrity enhancement.

Methods and Materials

This study adopted a qualitative, exploratory design with an applied purpose. The methodological approach was based on thematic analysis following the Attride–Stirling framework. Semi-structured interviews were conducted with fifteen financial and banking experts selected through purposive snowball sampling. The interviews explored participants' perspectives on the causes, dimensions, and prevention strategies of administrative corruption. Data were analyzed using MAXQDA software, and themes were extracted at three levels: basic themes, organizing themes, and global themes.

To ensure validity, member checking and expert verification were employed. Triangulation of data sources (academic experts and practitioners) enhanced reliability, while data saturation determined the sample size. The qualitative analysis led to the development of a conceptual model representing the interrelationship among various corruption determinants.

Findings

The thematic analysis yielded twelve global dimensions influencing the reduction of administrative corruption in Iran's financial system: individual, organizational, legal, social, cultural, economic, political, judicial, supervisory, procedural, quality of work life, and organizational commitment.

At the individual level, integrity, material need, and professional ethics emerged as the most influential factors. Employees with stronger ethical awareness and moral restraint demonstrated greater resistance to corruption. At the organizational level, transparency in decision-making, fair distribution of responsibilities, decentralization, and the establishment of a merit-based human resource system were identified as effective mechanisms in reducing corruption.

In the legal and judicial dimensions, the findings emphasized that outdated regulations, lack of enforcement, and overlapping authorities weaken the deterrence capacity of existing anti-corruption laws. Strengthening the independence of the judiciary and ensuring consistent application of sanctions were considered essential.

At the supervisory level, participants highlighted the absence of a unified monitoring framework. The creation of integrated oversight systems, digital tracking tools, and internal audit mechanisms was proposed as a remedy.

The social and cultural dimensions revealed that normalization of corruption, low public awareness, and weak civic engagement perpetuate unethical practices. Encouraging public participation, fostering social justice, and promoting ethical values were seen as necessary reforms.

The economic dimension showed that inflation, income inequality, and budgetary pressures act as catalysts for corrupt practices, particularly in credit allocation and loan approvals.

The political dimension identified the lack of sustained political commitment, bureaucratic interference, and nepotism as major obstacles to reform.

In terms of work processes, complex administrative routines and excessive paperwork were viewed as enablers of bribery and favoritism. Streamlining procedures and implementing e-governance solutions were proposed to mitigate these issues.

Finally, improvements in quality of work life—including job satisfaction, adequate compensation, and career development—were found to enhance employees' organizational commitment and reduce susceptibility to corruption.

Discussion and Conclusion

The findings demonstrate that administrative corruption within Iran's financial system is a multidimensional and interdependent phenomenon requiring a systemic response. The twelve dimensions identified in this study collectively emphasize that effective anti-corruption efforts must operate simultaneously at the individual, institutional, and societal levels.

The results align with previous international research emphasizing the interplay between ethical culture, institutional transparency, and legal enforcement. The identification of ethical training and moral intelligence as preventive mechanisms supports the theoretical insights of (Safaei Shakib et al., 2023) and (Ogungbamila & Ajayi, 2024), who argued that moral education can shape individual resilience against corrupt tendencies. Furthermore, the recognition of structural inefficiencies echoes (Ghahramani et al., 2023), who highlighted the importance of strengthening structural capital and human resource management in Iranian banks.

Similarly, the emphasis on judicial reform and rule of law reflects the conclusions of (Alavari et al., 2023) and (Hosseini et al., 2024), underscoring that legislative precision and impartial enforcement are prerequisites for accountability. The study's focus on integrated supervision also corroborates (Taylor et al., 2022) and (Nguyen, 2022), who found that governance quality and institutional design directly influence corruption control outcomes.

In cultural and social terms, the findings reaffirm the observations of (Taghavi et al., 2024) and (Ramsheh et al., 2022), who linked social norms, equity, and civic participation to the effectiveness of anti-corruption measures. The identification of political will as a decisive factor echoes (Troisi & Alfano, 2023) and (Tungga et al., 2025), who emphasized that leadership integrity and proportional accountability determine the sustainability of reforms.

The conceptual model developed through this study proposes that the integration of transparent procedures, ethical education, judicial independence, technological innovation, and effective supervision constitutes the foundation of a resilient financial governance system. Implementing such a framework would enhance institutional credibility, restore public confidence, and contribute to sustainable economic development.

In conclusion, reducing administrative corruption in Iran's financial system requires a coordinated approach that bridges ethical reform, legal modernization, and institutional restructuring. The model proposed in this research offers a holistic strategy by interlinking human, organizational, and systemic components. Its application within the Workers' Welfare Bank—and potentially across other financial institutions—can serve as a prototype for fostering integrity, accountability, and transparency in the national financial structure.

References

- Alavari, A., Javanmard, B., Fazli, M., & Adabi, H. R. (2023). Criminalizing Corruption in the Private Sector: Historical Developments and Domestic and International Documents. *Legal Excellence Quarterly*, 9(1), 123-157. https://www.thdad.ir/article_701436.html
- Ali Akbari, R., Ahmadi, S., Morovati, I., & Karimi, B. (2023). Critique and Evaluation of Proactive Criminal Policy Against Administrative Corruption in Iran's Criminal System. *Legal Civilization Quarterly*, 6(14), 221-244. https://www.pzhfars.ir/article_169911.html
- Farhadinejad, M., & Biki, K. (2023). Longitudinal Study of the Causes of Administrative Corruption and Methods of Control in the Years 1999, 2009, and 2020. *Outlook on Public Management Quarterly*, 14(1), 59-75. https://jpap.sbu.ac.ir/article_102677.html
- Farinha, J., & López-de-Foronda, O. (2023). The impact of corruption on investment and financing in the European Union: new insights. *The European Journal of Finance*, 29(16), 1-6. <https://www.journals.uchicago.edu/doi/10.1086/687209>
- Ghahramani, S., Sepahvand, R., Hekak, M., & Vahdati, H. (2023). Designing a Structural Capital Model to Reduce Corruption in the Banking Network Using Grounded Theory. *Transformation management journal*, 15(29), 1-18. https://tmj.um.ac.ir/article_44160.html

- Hosseini, S. M. S., Omidzadeh, B., & Biglari, F. (2024). Judicial Corruption from the Perspective of Zemiology. 10th International and National Conference on Management, Accounting, and Law Studies.
- Jenkins, H., Alshareef, E., & Mohamad, A. (2023). The impact of corruption on commercial banks' credit risk: Evidence from a panel quantile regression. *International Journal of Finance & Economics*, 28(2), 1364-1375. <https://doi.org/10.1002/ijfe.2481>
- Kalantari Sarcheshmeh, N., Sharmsar Hasanali Deh, A., & Nematollahi, S. M. S. (2024). Financial Corruption and Money Laundering. <https://civilica.com/doc/2190676>
- Liu, D. (2023). Credit Corruption, Government Relation and Corporate Innovation. *Finance Research Letters*, 58, 1-18. <https://doi.org/10.1016/j.frl.2023.104408>
- Moradi, P., & Rafiei, A. (2024). Prioritizing Structural Components of Administrative Corruption in Contemporary Iran. *Strategic Studies Quarterly*, 27(1), 87-108.
- Nguyen, Q. K. (2022). The impact of risk governance structure on bank risk management effectiveness: Evidence from ASEAN countries. *Heliyon*, 8(10), 1-17. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2022.e11192>
- Ogungbamila, B., & Ajayi, O. F. (2024). Relationship between moral intelligence and corruption tolerance among public sector employees: Does life satisfaction matter? *Mediterranean Journal of Social & Behavioral Research*, 8(2), 61-69. <https://doi.org/10.30935/mjosbr/15789>
- Patria, V. (2024). The Importance of Renewing the Whistle Blower Regulation for Corruption Crimes in Indonesia. *JHCJ*, 4(1), 18-30. <https://doi.org/10.30588/jhcj.v4i1.1833>
- Rahpeyma, A., Naderinasab, M., & Nasiri Farsani, M. (2024). Analysis of Corruption in the Managerial Elections of Sports Federations and Its Impact on Development Strategies. *Dynamic Management and Business Analysis*, 3(2), 34-50. <https://doi.org/10.22034/dmbaj.2024.2040251.1110>
- Ramsheh, M. S., Ardestani, A. B., Tohidfam, M., & Motallebi, M. (2022). The Role of Good Governance in the Efficient Functioning of the Government Fighting Economic Corruption in the Islamic Republic of Iran. *International Journal of Political Science*, 12(3), 143-158. https://journals.iau.ir/article_699280_29a57e4b456ab37f9816d03d556ea5d6.pdf
- Saeedi, R. (2024). *Anti-Corruption Academies and Institutions*. General Inspection Organization.
- Safaei Shakib, A., Sarshar, S., & Rostami Mal-Khalifeh, R. (2023). Analyzing the Relationship Between Ethical Strategies and Ethical Environment on Reducing Administrative Corruption: The Mediating Role of Ethical Restraint. *Ethics in Science and Technology Quarterly*, 18(1), 69-77. <https://ethicsjournal.ir/article-1-2939-fa.html>
- Taghavi, M., Tavakoli, F., & Jalilian, R. (2024). Explaining the Geopolitics of Effective Criteria in Anti-Corruption Laws from an Islamic Perspective. *Geography Quarterly (Regional Planning)*, 14(54).
- Tawiah, V., Zakari, A., & Alvarado, R. (2024). Effect of Corruption on Green Growth. *Environment*.
- Taylor, I. W., Ullah, M. A., Koul, S., & Ulloa, M. S. (2022). Evaluating the impact of institutional improvement on control of corruption-A system dynamics approach. *Systems*, 10(3), 64-79. <https://doi.org/10.3390/systems10030064>
- Troisi, R., & Alfano, G. (2023). The re-election of corrupt mayors: Context, relational leadership and level of corruption. *Local Government Studies*, 49(1), 204-225. <https://doi.org/10.1080/03003930.2022.2087060>
- Tungga, A. F., Hartiwingsih, & Leo, R. P. (2025). Non-Litigation Paradigm and the Principle of Criminal Proportionality in Corruption Cases with Mild Error Levels. *Journal of Posthumanism*, 5(3), 1296-1309. <https://posthumanism.co.uk/jp/article/view/910>
- Utami, E. R., & Barokah, Z. (2024). The determinants of corporate anti-corruption disclosures: evidence from construction companies in the Asia-Pacific. *Corporate Governance*, 24(6), 1414-1441. <https://doi.org/10.1108/CG-04-2023-0152>
- Zafeiriou, E., Garefalakis, A., Passas, I., & Ragazou, K. (2023). Illicit and Corruption Mitigation Strategy in the Financial Sector: A Study with a Hybrid Methodological Approach. *Sustainability*, 15(2), 1366-1382. <https://doi.org/10.3390/su15021366>